



## Causal Layered Analysis of Change in the Concept of the Neighborhood in Relation with the Sense of Belonging and Presenting the Alternative Scenarios

Azita belali oskui<sup>1\*</sup> - Mina heydari turkmani<sup>2</sup>-Farbod Diba<sup>3</sup>

<sup>1</sup>- Assistant Professor of Architecture and urban planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

<sup>2</sup>- Ph.D Student, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

<sup>3</sup>- Graduated Faculty of management, University of Tehran, Tehran, Iran

\* Corresponding another, [azita.oskui@gmail.com](mailto:azita.oskui@gmail.com)

### ARTICLE INFO ABSTRACT

#### UPK, 2019

VOL.3, Issue.3, PP, 65-81

Received:26 Aug 2019

Accepted: 19 Nov 2019

Dep. of Urban Planning

University of Guilan

**KEYWORDS:** Sense of Belonging, Urban Neighborhood, Futurology, Causal Layered Analysis, Scenario

**Background:** The urban neighborhoods have a long history, as old as the urbanity and they have undergone extensive changes over the time. During these changes, belonging to place which is one of the cornerstones of the relationship between the citizens and the living environment is going to be declined. The metaphor of the neighborhood and its changes in adaptation with the contemporary period is an issue that the planners, the urban designers and the architects should pay attention to it.

**Objectives:** The objective of this research was to achieve the alternative futures based on the alternative metaphors of the neighborhood in relation with the sense of belonging and identifying the possible scenarios of the neighborhood in the future, in order to preserve the cultural, social and physical values of the neighborhood based on the sense of belonging to place.

**Method:** Using a causal layered analysis method in four layers of analysis including "Lithuania", "macro social causes", "discourse - worldview" and "metaphor - myth", the present study attempted to achieve not only a clear understanding of the causes behind these changes, but also to present the alternative scenarios for the concept of the neighborhood in the future, based on the alternative metaphors of this concept, focusing on the sense of belonging to place.

**Result:** Using the purposeful sampling, in-depth semi-structured interviews were conducted with the experts who had sufficient knowledge and experience on the topic under the discussion and the sampling continued up to the theoretical saturation. Finally, the metaphors such as "Lack of spirit and meaning", "Confused", "fluid", "chaos", "boundless", "unidentity" was mentioned by the interviewees.

**Conclusion:** Based on the results, four scenarios of the smart neighborhood, the global neighborhood, the sustainable neighborhood and the flexible neighborhood have been presented.

#### Highlights:

Explore the precise concept of the neighborhood in contemporary cities, according to the changes that have taken place in the age of modernity.

In order to deconstruct and restructure the future and to create alternative futures and present alternative scenarios from the concept of neighborhood, the method of layer analysis of causes has been used.

Based on alternative metaphors of neighborhood concept, four scenarios of smart neighborhood, global neighborhood, sustainable neighborhood and flexible neighborhood are presented.

#### Cite this article:

Belali Oskui, A., Heydari Turkmani, M., Diba, F. (2019). Causal Layered Analysis of neighborhood concept change in relation to sense of belonging and presentation of alternative scenarios. *Urban Planning Knowledge*, 3(3), 65-81. doi: 10.22124/upk.2019.14235.1275

## تحلیل لایه‌های علت‌های تغییر مفهوم محله در ارتباط با

### حس تعلق و آرایه سناریوهای بدیل

آزیتا بلالی اسکویی<sup>۱\*</sup> - مینا حیدری ترکمانی<sup>۲</sup> - فرید دیبا<sup>۳</sup>

۱- دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

۲- دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

۳- دانش آموخته دکتری آینده پژوهی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول: [azita.oskui@gmail.com](mailto:azita.oskui@gmail.com)

| اطلاعات مقاله  | چکیده  |
|--|--|
| <p><b>دانش شهرسازی، ۱۳۹۸</b><br/>دوره ۳، شماره ۳، صفحات ۶۵-۸۱<br/>تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۴<br/>تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸<br/>گروه شهرسازی، دانشگاه گیلان</p> | <p><b>بیان مسأله:</b> محلات شهری سابقه‌ای به قدمت شهرنشینی دارند و در گذر زمان دچار تغییرات گسترده‌ای شده‌اند و در اثنای این تغییرات، تعلق مکانی که یکی از پایه‌های ارتباطی شهروندان و محیط زندگی است، رو به افول نهاده است. استعاره محله و تغییرات آن در انطباق با دوران معاصر، مسئله‌ای است که باید مورد توجه برنامه‌ریزان، طراحان شهری و معماران قرار گیرد.</p> <p><b>هدف:</b> هدف از این پژوهش، دستیابی به آینده‌های بدیل بر مبنای استعاره‌های بدیل از محله در ارتباط با حس تعلق و شناسایی سناریوهای محتمل محله در آینده، به منظور حفظ ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، کالبدی محله براساس حس تعلق مکانی است.</p> <p><b>روش:</b> پژوهش حاضر با روش تحلیل لایه‌های علت‌های تغییر مفهوم محله در چهار لایه‌ی تحلیل شامل لیتانی، علل کلان اجتماعی، گفتمان/ جهان بینی و اسطوره/ استعاره، بر آن است تا ضمن دستیابی به درک روشنی از علت‌های این تغییرات، سناریوهای بدیلی را برای مفهوم محله در آینده بر مبنای استعاره‌های بدیل این مفهوم با تمرکز بر حس تعلق مکانی آرایه دهد.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با صاحب نظرانی که در زمینه موضوع مورد بحث دارای دانش و تجربه کافی بودند، صورت گرفته و نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت استعاره‌هایی مانند «فاقد روح و معنا»، «آشفته»، «سیال»، «هرج و مرج»، «بی‌مرز»، «بی هویت» از سوی مصاحبه‌شوندگان مطرح گردید.</p> <p><b>نتیجه:</b> براساس نتایج تحقیق، چهار سناریوی محله هوشمند، محله جهانی، محله پایدار و محله منعطف ارائه شده‌اند.</p> |

**کلید واژه‌ها:** حس تعلق، محله شهری، آینده پژوهی، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، سناریو

#### نکات برجسته:

واکاوی مفهوم دقیق محله در شهرهای معاصر، با توجه به تغییراتی که در عصر مدرنیته صورت گرفته است. به منظور ساختارزدایی و ساختاردهی مجدد به آینده و برای خلق آینده‌های بدیل و ارائه سناریوهای بدیل از مفهوم محله، روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. براساس استعاره‌های بدیل از مفهوم محله، چهار سناریوی محله هوشمند، محله جهانی، محله پایدار و محله منعطف ارائه شده‌اند.

#### ارجاع به این مقاله:

بلالی اسکویی، آزیتا، حیدری ترکمانی، مینا و دیبا، فرید. (۱۳۹۸). تحلیل لایه‌های علت‌های تغییر مفهوم محله در ارتباط با حس تعلق و آرایه سناریوهای بدیل. *دانش شهرسازی*، ۳(۳)، ۶۵-۸۱

Doi: 10.22124/upk.2019.14235.1257

## مقدمه

مفاهیم مشابه بسیاری مانند دل‌بستگی اجتماعی، هویت مکانی، وابستگی به مکان، حس مکان، حس اجتماع، تعلق به مکان و غیره وجود دارد که به طرز مشابهی با یکدیگر در ارتباط بوده و عمدتاً به جای هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بدون اینکه تلاشی برای تعریف مرزهای جداکننده و ایجاد تمایز میان این مفاهیم شده باشد (Van der Graff, 2009:36). جداسازی این مفاهیم به دلیل قرابت مرزهای آنها در سطح تجربی بسیار دشوار است. لذا در پژوهش حاضر، مفهوم حس تعلق به مکان که بر پایه حس مکان قرار دارد و به عنوان سطحی فراتر از آن است، مبنای کار قرار می‌گیرد. مکان جایی است که انسان به آن حس تعلق دارد و آن را قسمتی از وجود خود می‌پندارد. در عین حال، حس تعلق مکانی مفهومی پیچیده از احساسات و دل‌بستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید. روابط اجتماعی پیوسته بین اهالی محله، خرده فرهنگ تعامل و همیاری و بسیاری از خصوصیات کارکردی دیگر، نشانه‌ای است از این باور که در گذشته محله‌های شهری در حکم الگوهای موفق تعاملات انسانی در زیست شهرهای بزرگ پیشین بوده‌اند تا علاوه بر ایفای نقش‌های فراوان اجتماعی، فضای موجود بین ساکنان آن‌ها توان تأمین پاره‌ای از نیازهای عاطفی و روانی ساکنان را نیز داشته باشند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳). این در حالی است که در محله‌های امروزی فقدان حس مکان و به تبع آن، عدم احساس تعلق، از مشکلات پنهانی است که در دراز مدت احساس بی‌ریشگی را در ساکنان این محیط‌ها دامن می‌زند و رابطه انسان‌ها را با یکدیگر و با محیط زندگی‌شان به بی‌تفاوتی می‌کشد (Sadeghi, 2015: 2).

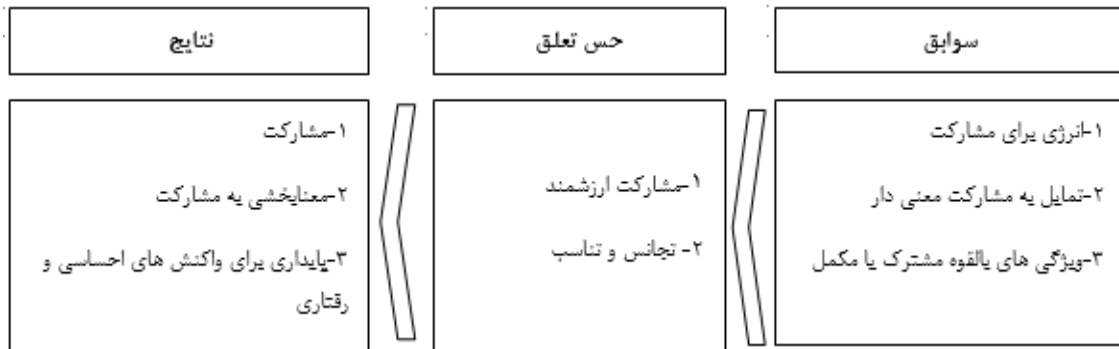
در جامعه ایران، محلات سنتی با پیشینه‌ای به قدمت شهرنشینی همواره به عنوان یکی از ارکان سازمان فضایی بافت‌های شهری و واحدی کالبدی - اجتماعی ایفای نقش نموده‌اند. این در حالی است که محله در جامعه شهری معاصر ایران در اثنای تغییر و تحولات شهری معاصر و در سایه مداخلات مبتنی بر الگوهای وارداتی شهرسازی، از مفهوم واقعی و توان و کارکردهای فضایی و اجتماعی خود فاصله گرفته است. در شهرهای امروزی ایران، محله بیشتر در مفهوم مجاورت کالبدی واحدهای مسکونی به کار گرفته شده است و نه بستری برای همبستگی اجتماعات محلی که به تبع آن کیفیت محلات به عنوان محل زندگی شهروندان کاهش یافته است (زمانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱). یکی از معانی مهم در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی، حس تعلق به مکان می‌باشد. این حس که عامل مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط می‌باشد، نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت نیز خواهد گردید. اما نبود تفسیر دقیق و مشخص از این حس سبب ایجاد نوعی سردرگمی و بلاکلیفی در شناخت و استفاده از عوامل طراحی در جهت ایجاد این سطح معنایی در محلات گردیده است (جوان فروزنده، ۱۳۸۹: ۲۸). اما برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید با ملاحظات موشکافانه، ضمن بررسی تغییرات این مفاهیم در طول زمان، توانایی طراحی و شکل دادن به محلات به منظور حفظ و افزایش حس تعلق را داشته باشند. اهداف تحقیق حاضر دستیابی به آینده‌های بدیل بر مبنای استعاره‌های بدیل از محله با تمرکز بر افزایش حس تعلق ساکنین است. سوالات مطرح در این زمینه عبارتند از: چه استعاره‌هایی تغییرات مفهوم محله در ارتباط با حس تعلق در دوران معاصر را تبیین می‌کنند؟ استعاره‌های بدیل و به تبع آن، سناریوهای بدیل کدامند.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### حس تعلق

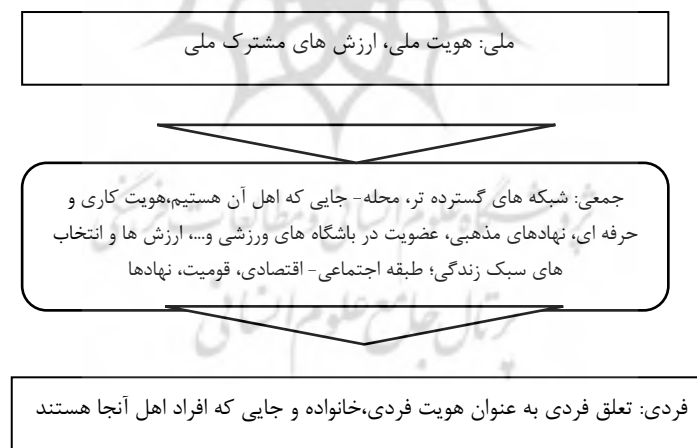
یکی از علاقه‌مندی‌های فراگیر در انسان‌ها برقرار کردن و حفظ ارتباط با دیگران، نهادهای اجتماعی و خویشتن است. تعلق یکی از اجزای اتصال خویشتن فرد به بافت مردم، مکان‌ها و اشیای پیرامون است (Hagerty et al, 1992:172). حس تعلق در رابطه با عوامل مختلف خارجی همانند افراد، گروه‌ها، اشیاء، سازمان‌ها و محیط رخ می‌دهد. معمولاً حس تعلق به عنوان تجربه تعریف شده است، که شامل تجربه درگیری‌های شخصی در محیط یا سیستم که فرد آن را به بخش جدایی‌پذیر آن سیستم یا محیط ادراک می‌کند. تجربه حس تعلق، احتیاج به مشارکت و انگیزه برای مشارکت معنادار و داشتن پتانسیل برای توسعه حس تعلق با به اشتراک گذاشتن یا ویژگی‌های مکمل با محیط خودشان است (امامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳). حس تعلق به عنوان یکی از

نیازهای اساسی انسان و یکی از اجزای تعاملات انسانی اهمیت ویژه‌ای برای افراد، خانواده‌ها و اجتماع دارد. هگرتی<sup>۱</sup> پس از بررسی تعاریف موجود از حس تعلق، مدل ویژه‌ای (شکل شماره ۱) را برای بیان مفهوم حس تعلق ارائه کرده‌اند.



شکل ۱. مدل حس تعلق (مأخذ: Hagerty et al:1992)

علاوه بر هگرتی، مؤسسه مطالعاتی یونگ<sup>۲</sup> سه سطح از تعلق خاطر که می‌تواند در فرد شکل بگیرد را شناسایی کرده است: فردی، جمعی و ملی. در سطح فردی حس تعلق به خانواده؛ در سطح جمعی حس تعلق به شبکه‌های گسترده‌تر اجتماعی نظیر محل زندگی، محل کار، باشگاه و کلویی که فرد در آن عضویت دارد، سبک زندگی، قومیت و در نهایت در سطح ملی حس تعلق به ارزش‌های مشترک و هویت ملی مطرح می‌شود. در این مدل (شکل شماره ۲) حس تعلق در سه سطح خرد، میانی و کلان مشاهده می‌شود.



شکل ۲. سطوح مختلف حس تعلق (مأخذ: Young Foundation, 2008)

### حس تعلق مکانی<sup>۳</sup>

تعلق مکان پیوندی است بین یک فرد یا گروه و مکان، که بر اساس سطح فضایی، درجه اختصاصی بودن و ویژگی‌های اجتماعی یا کالبدی مکان، متغیر است و از طریق احساس، شناخت و فرایندهای روانشناسانه رفتاری، آشکار می‌گردد (سیاوش

<sup>۱</sup> Hagerty, Bonnie  
 1. Young Foundation  
 2. Place Attachment

پور و همکاران، 1393). به تعبیر کوپر مارکوس<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) با گذشت زمان و ایجاد پیوند فرد با محیط، محیط به یک لنگرگاه روانی تبدیل می‌شود و احساس تعلق مکانی شکل می‌گیرد (معلمی، ۱۳۸۶: ۹۱). بنابراین تعلق مکانی به این معنا است که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط مردم را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان، هویت و قدرت انسان را تقویت می‌نماید (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰).

مفهوم تعلق به مکان را به طور کلی می‌توان مجموعه پیوندهای احساسی، شناختی و رفتاری میان انسان‌ها و مکان زندگی‌شان دانست که مبنای ادراک فرد و رابطه‌اش با مکان را فراهم می‌آورد و چارچوب هویتی فرد و جامعه را شکل می‌دهد. به گونه‌ای که فرد خود را جزئی از مکان و در پیوند با مکان تعریف می‌کند و در نهایت حس تعلق به مکان شکل می‌گیرد که در جدول شماره ۱ اشاره شده است:

جدول ۱. دیدگاه و نظریه های محققان و اندیشمندان از تعلق مکانی

| اندیشمندان                     | تعاریف ارائه شده از تعلق مکانی   |
|--------------------------------|--|
| براون و پرکینز <sup>۲</sup>    | پیوندهای مثبت تجربه شده بین اشخاص و یا گروه‌ها و محیط اجتماعی - کالبدی آنها (چارچوب هویتی فرد و جامعه)                         |
| آلتمن و لو <sup>۳</sup>        | ارتباطی نمادین با مکان   |
| رابستاین و پارملی <sup>۴</sup> | مبین احساسات و عواطف فرد نسبت به یک موقعیت جغرافیایی (جنبه تاثیر زمان بر تعلق مکانی (تجربه)                                    |
| بونایوتو <sup>۵</sup>          | وابستگی عاطفی با مکان خاص و تبدیل فرد به عنوان بخشی از هویت مکان   |
| هیدالگو و هرناندز <sup>۶</sup> | پیوند عاطفی مثبت و مساعد، مابین یک فرد و یک مکان خاص، که مهمترین ویژگی این پیوند تمایل فرد به حفظ نزدیکی‌اش با آن مکان خاص است |
| ویلیامز <sup>۷</sup>           | متاثر از وابستگی مکانی و مقوم هویت مکانی   |
| شامای <sup>۸</sup>             | یک مرحله از حس مکان (از بی تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری برای مکان تقسیم‌بندی می‌شود)   |
| استدمن <sup>۹</sup>            | یک بُعد از کلیت حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت که بین فرد و مکان توسعه می‌یابد   |

مأخذ: برگرفته از (رضازاده، ۱۳۸۵: ۳۳۸). (Altman & Low, 1992: 5). (میردامادی، ۱۳۹۱: ۳۴-۳۵). (Bonaiuto et al, 1999: 332). (Shumaker & Taylor, 1983: 119). (Rubinstei & Parmelee, 1992: 139). (Hidalgo & Hernandez, 2001). (Stedman, 2002: 674).

## محلّه شهری

پیدایش مفهومی همچون «محلّه» دارای تاریخچه ای طولانی در نظام شهرنشینی ایران و جهان است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴). مفهوم محلّه، می‌تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، روان شناسی، ذهنی، ادراکی، معماری و سیاسی تعریف شود. هر یک از ابعاد مختلف، تعریف خاص خود از محلّه را ارائه می‌دهند. برای مثال، براساس ادبیات جهانی، دو واژه Neighbourhood و Township را می‌توان به منزله مفهوم محلّه ترجمه کرد. واژه اول، محلّه مسکونی و دارای هویت مشخص است، اما واژه دوم، به محدوده ای اطلاق می‌شود که علاوه بر بزرگی در اندازه، دارای فرصت های شغلی متفاوت است (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۶). محلّه در لغتنامه دهخدا به «کوی، برزن، یک قسمت از چندین قسمت شهر» معنا شده است. این تعریف برای محلّه نشان می‌دهد که استقلال محلّه به گونه ای است که قادر است نیازها و خواسته های مردم را تأمین کند. تعاریف موجود از محلّه، تأکید بر عنصر فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی محلّه دارد. برخی معتقدند که محلّه مفهومی انتزاعی داشته، که ریشه در رفتار مردم نسبت به خیابان ها و ساختمان ها دارد (Sattari et al, ۲۰۱۴: ۲۹۷). تعریفی که لینچ از محلّه دارد، عبارت است از: «محلّه قسمت نسبتاً بزرگی از شهر است که واجد خصوصیات یکدست و مشابه باشد و ناظر عملاً بتواند به آن وارد شود» (لینچ، ۱۳۷۶: ۱۸۹). کواين، محلّه را از منظر برنامه ریزی شهری، تعریف می‌کند و آن را بخش قابل شناسایی محدوده شهری یا محدوده ترکیب شده از کاربری های تأمین کننده نیازهای ساکنان

3. Marcus, Cooper
4. Brown, Barbara & Perkins, Douglas
5. Altman, Irwin & Low, Setha
6. Rubenstein, R.L & Parmelee, P.A
7. Bonaiuto, Marino
8. Hidalgo, Carmen & Hernandez, Bernardo
9. Williams, Daniel R
10. Shamai, Shmuel
11. Stedman, Richard C



در ساختار شهر می‌داند (Cowan, 2005: 25). توسلی، محله را یک اجتماع کوچک طبیعی تعریف کرده که برای برقراری روابط اجتماعی، محیط بسیار مساعدی را به وجود آورده است (توسلی، ۱۳۷۶: ۴۰).

زندگی ساکنین محله، گذشته از دارا بودن روابط اجتماعی پویا در یک محدوده‌ی جغرافیایی معین، به واسطه وجود معیارهای ذهنی مانند احساس سرنوشت، هویت مشترک و تعلق فرهنگی و معیارهای عینی چون قلمروی زیست مشترک و تشریک مساعی در جهت بهبود زندگی جمعی و تأمین نیازهای اولیه و اصلی با یکدیگر درهم آمیخته است (Sarrafi, 1992: 37). قابل ذکر است که در محله، ارتباطات چه از نظر کالبدی و چه از نظر اجتماعی و اقتصادی حایز اهمیت بوده و باید مورد شناخت قرار گیرند. در کل باید محله را به عنوان یک ترکیب که اجزای آن، بناها، گذرهای ارتباطی، مردم و سیستم اقتصادی خاص محله بوده و با ارتباطاتی کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ترکیب را به وجود آورده اند، در نظر گرفت (پورسراجیان، ۱۳۹۴: ۴۱). در مطالعه و فهم محله چهار عامل شامل مرزهای سمبولیک و فیزیکی، روابط اجتماعی، هویت و احساس تعلق به محیط امکانات و خدمات محله و نهایتاً زندگی باید در نظر گرفته شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵).

وجه اشتراک این تعاریف و بسیاری از تعاریفی که در این حوزه مطرح شده، تأکید بر جنبه فضایی و مکانی محله و وجود نوعی همبستگی اجتماعی و غیر قراردادی در میان اهالی آن است. همچنین می‌توان افزود که محله‌ها پدیده‌هایی ارگانیک و تدریجی بودند که از کنار هم قرار گرفتن شان شهرها به وجود می‌آمد. این واحدهای فضایی دارای ویژگیهای کمی و کیفی، مطابق با نیازهای زندگی فردی و جمعی بودند، این نیازها تحت تأثیر شیوه معیشت و فرهنگ در بستر زمان بودند، به نحوی که تحولات تاریخی، تغییرات متعددی را در ویژگی‌ها و ساختار محله‌ها ایجاد کرده است (موقر و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹).

### محله در دوران معاصر

تصور سنتی از محله در شهرهای تاریخی ایران، همواره نمایانگر یکی از مهم‌ترین واحدهای اجتماعی-کالبدی شهر بوده است. به دلیل همین پتانسیل‌های اجتماعی-کالبدی، محلات از طرفی بستر توسعه درونی و انسجام کالبدی و حیات و همبستگی اجتماعی شهرها و از طرفی دیگر، منشاء نقش‌انگیزی و ایجاد فضای یاد و خاطره و هم‌پیوندی گذشته و حال بوده‌اند. با رواج تفکر مدرنیستی و تغییرات وسیع در ساخت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرها، مفهوم محلات به شکل سنتی دچار استحاله و دگرپدیزی شده و حس اجتماعات محلی در بافت‌های مسکونی بسیار کم رنگ گردید (زمانی، ۱۳۹۲: ۷۳).

در دوران معاصر، جایگاه محله در طرح‌های توسعه شهری به بررسی کمبودهای محلات و نحوه توزیع خدمات محله‌ای، تراکم محله، سطح اشغال و مداخلات صرفاً کالبدی با تأکید بر مراکز محلات خلاصه می‌شود و توجه به شاخص‌های کمی بسیار پررنگ‌تر از شاخص‌های کیفی و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی محلات می‌باشد. محله بندی در این طرح‌ها اغلب به عنوان روشی در جهت سازمان دادن به نظام فعالیت‌ها و تسهیل امور مدیریتی در نظر گرفته می‌شود. گسترش مناسبات سوداگرانه باعث شده غالباً توان اقتصادی و سطح مالی ساکنین، تنها عامل همسایگی‌ها باشد. همچنین تغییر اجباری محل سکونت بسیاری از مردم، منجر به تغییر مداوم بافت اجتماعی محلات گردیده و عدم حس تعلق، بی‌هویتی و بی‌تفاوتی ساکنین را به دنبال دارد. تأسیس نهادهای مدیریت شهری نیز که مدیریت از بالا به پایین را جایگزین سیستم مدیریت محله‌ای نموده‌اند، در تشدید این امر بسیار تأثیرگذار بوده است. «همچنین برخلاف محله‌های سنتی که توأمأ محل کار، سکونت، تفریح و انجام فعالیت‌های اجتماعی بوده‌اند، امروزه کارکرد سکونتی محله‌های شهری به کارکرد مسلط آنها با شکلی متفاوت تبدیل گردیده است» (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹). بدین ترتیب در دهه‌های اخیر بافت‌های شکل گرفته چنان تفاوت فاحشی با محلات قدیمی داشته‌اند که با یک نگاه می‌توان به دوگانگی کالبدی شهرها پی برد.

در گذشته محلات شهری در طول دوره‌های زمانی، توان سازگاری با روند کند تغییرات اجتماعی و اقتصادی را داشته و ضمن حفظ ارزش‌های طبیعی محیط و رفع نیازهای فردی و اجتماعی ساکنین خود، از پویایی و سرزندگی لازم نیز برخوردار بودند. به تدریج با تغییر روش‌های معیشتی و پیامدهای ناشی از آن و همچنین عدم حفظ تعادل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، موجب گسستن کالبدی و فرهنگ محله‌ها و در نتیجه عدم پاسخگویی به نیاز ساکنین و ناکارآمدی عملکردی محلات شهری شد (عبداللهی و رختابناک، ۱۳۹۳: ۱۰۵).

## پیشینه پژوهش

کارمن هیلداگو و برناندو هرماندز (۲۰۰۱)، در پژوهشی تعلق مکانی از طریق سه مقیاس مکانی (خانه، محله و شهر) و دو بعد کالبدی و اجتماعی به منظور انجام برخی مقایسه‌ها در مقیاس‌های مختلف بیان نموده اند که تعلق مکانی به درجات مختلفی در مقیاس‌ها و ابعاد فضایی و کالبدی مختلف توسعه و افزایش می‌یابد و می‌توان گفت: (۱) تعلق به محله نسبت به تعلق به خانه و شهر در سطح پایین‌تری قرار دارد (۲) تعلق اجتماعی بیش‌تر از تعلق کالبدی است و (۳) درجه تعلق به مکان با سن و جنس رابطه دارد. جوادی (۱۳۸۹)، در بررسی تأثیر فضاهای مجازی بر حس تعلق به مکان در کلانشهر مشهد، بیان کرده است که استفاده فزاینده از اینترنت می‌تواند بر متغیرهای رفت و آمد در محله، همبستگی بین همسایگان، عدم اهمیت فضای محله، فقدان پیوند اجتماعی بین افراد محله، انزوای اجتماعی و کاهش دیدار افراد در مکان‌های عمومی، ضعف تعلق اجتماعی افراد، کاهش پیاده‌روی و در نهایت کاهش حس تعلق به مکان به عنوان پیامدهای اجتماعی استفاده از اینترنت تأثیر گذار باشد. رهنما و رضوی (۱۳۹۱)، تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، مورد واکاوی قرار داده اند که تأثیر گذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت قابل تبیین است، بنابراین داشتن جوامعی با سرمایه‌های اجتماعی بالا و مشارکت آگاهانه شهروندان مستلزم وجود حس تعلق به مکان، محله و شهر است و یکی از راه‌های افزایش این حس نیز برنامه‌ریزی کالبدی و مناسب‌سازی محلات است.

غروی الخوانساری (۱۳۹۳)، احیاء هویت محلی را در شهر امروز در مقابل احیاء کالبدی محله‌های سنتی طرح می‌نماید. احیاء هویت محلی، احیاء حس مکان و اجتماع محلی است و می‌تواند با زندگی شهری امروز انطباق یابد. براساس تحلیل‌ها، در فرایند ادراکی از هویت، دو مرحله «بازشناسی» و «تشخص» اهمیت دارد که مورد بررسی قرار گرفته است و به موضوع انعطاف‌پذیری و ماهیت دو بعدی محله‌های معاصر از نظر دارا بودن برخی ویژگی‌های شهری در عین داشتن ابعاد محلی به عنوان راهکار توجه شده است که آنها را از طرفی با روح کلی محله‌های سنتی پیوند می‌دهد و از طرف دیگر با شرایط زندگی امروز متناسب می‌سازد. حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۴)، با استفاده از دو نظریه دورکیم و پارسونز و پاتنام به بررسی نقش محله محوری در ارتقای سطح تعلق شهروندان به محله‌ی زندگی‌شان پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد با نشأت‌گیری این طرح -محله محور- از اخلاق مدنی، در اداره کلان‌شهر تهران مؤثر عمل نموده و با کنترل گرایش به رفتار ناهنجار در هویت محله تأثیرگذار بوده است. و با القای حس تعلق و هویت محله‌ای موفق عمل نموده است و رضایتمندی اجتماعی مردم رابطه‌ی محکمی با محله محوری نشان داده است.

بررسی مطالعات موجود در تحلیل مفهوم و ساختار محله‌های سنتی ایران نشان می‌دهد که از یک سو، عمده این مطالعات و نتایج آنها توصیفی بوده و از سوی دیگر، بر پایه‌های روش شناختی روشنی، استوار نیستند. از این رو تاکنون نظریه‌ای درخور که با فرهنگ و شرایط زندگی معاصر در ایران هماهنگ باشد، ارائه نشده است. پژوهش موقر و همکاران (۱۳۹۴) بر این نکته تکیه دارد که از طریق موردکاوی محلات در شهرهای تاریخی ایران، مبتنی بر تحلیل‌های کیفی و کمی، می‌توان به ابعاد جدید از ماهیت محلات دست پیدا کرد. نتایج حاصل از بررسی این مؤلفه‌ها در بخش کیفی مشخص می‌سازد که شکل‌گیری و تغییرات شهر و محلات آن به صورت مستمر و تدریجی در راستای همسازی مناسب بافت موجود با تغییرات و نیازهای جدید تا دوره قاجار و پیش از پهلوی ادامه داشته است. در این میان آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی از جمله مذهب نقش تعیین‌کننده‌ای در نوع عناصر، ویژگی‌ها، کیفیت روابط، نحوه شکل‌گیری و هویت محله‌ای و شهری داشته است.

پورسراجیان (۱۳۹۴)، اهمیت ابعاد اجتماعی و انسانی ارزش‌ها در دیدگاه مردم نسبت به ابعاد کالبدی و اقتصادی، نگاه از درون به محله‌ها و اهمیت معیار مشارکت مردم در مراحل تغییر ارزش‌های محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان، بیان می‌کند. عربی و همکاران، (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد که خصوصیات دموگرافیک ساکنین، سن و نوع مسکن ساکنین از لحاظ شخصی و استیجاری بودن و از خصوصیات اجتماعی محله به ترتیب مشارکت، شناخت، و بهره‌وری محله‌ای با حس تعلق محله‌ای آنها ارتباطی معنادار، مثبت و قوی دارند. حس تعلق محله‌ای بر مشارکت اجتماعی ساکنین (آمادگی داوطلبانه، کار گروهی و همکاری با نهادهای محله‌ای) تأثیر بسیار زیادی دارد.

زیباری و همکاران (۱۳۹۶)، بیان کرده اند عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی با تأکید بر احساس تعلق محله (احساس تعلق محله ای، احساس امنیت محله ای) با آمادگی برای مشارکت رابطه معنادار وجود دارد و حس تعلق به محله موجب مسئولیت پذیری افراد و در نهایت آمادگی برای فعالیت های مشارکتی می شود.

همانطور که در ارائه پژوهش‌های پیشین مشاهده گردید، مفهوم دقیق محله در شهرهای معاصر براساس شکل گیری حس تعلق مورد واکاوی قرار نگرفته است، بیشتر عوامل متفاوت در رابطه با حس تعلق به محله با رویکردهای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته‌اند، امروزه مفهوم همسایگی و همجواری صرف، جایگزین محله گردیده است. به نظر می رسد در این زمینه بررسی اینکه محله در شهرهای معاصر دقیقاً چه مفهومی دارد؛ قابل بررسی است. بدیهی است، بررسی عوامل شکل دهنده به محله‌های گذشته و ارائه راهکارهایی برای انتقال آن به حال و آینده، به تنهایی نمی تواند پاسخگو باشد و ضرورت دارد با نگاهی به آینده و واکاوی آینده‌های بدیل، استعاره‌های بدیل برای مفهوم محله در نظر گرفته شود. در این پژوهش با تحلیل لایه‌ای علت‌ها، ابتدا واقعیت موجود در خصوص مفهوم «محله» لایه به لایه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس با شروع از عمیق‌ترین لایه یعنی «اسطوره/ استعاره» به ارائه استعاره‌های بدیل برای مفهوم محله از نگاه متخصصین می‌پردازیم. نگرش سناریوها با ارائه گفتمان/جهان‌بینی‌های بدیل از سوی متخصصین بر مبنای استعاره‌های بدیل و در نهایت ارائه علل کلان اجتماعی بدیل بر مبنای گفتمان/جهان‌بینی‌های بدیل انجام خواهد شد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA) که توسط عنایت اله (۱۹۹۸) معرفی شده، در تلفیق با سناریو نویسی انجام شده است. تحلیل لایه ای علت ها (CLA) از لحاظ روش، کیفی و از لحاظ رویکرد، اکتشافی است (فاتح راد و همکاران، ۱۳۹۲). این رویکرد به عنوان یک نظریه، به دنبال تجمیع مدل‌های مختلف شناخت (یعنی تجربه گرایانه، تفسیرگرایانه، انتقادی و یادگیری) است. به عنوان یک روش، کاربرد آن نه برای پیش بینی آینده بلکه برای آفریدن فضاهای تحول ساز برای خلق آینده های بدیل است (Inayatullah, 2004: 8). CLA تمرکز کمتری بر فضای افقی آینده دارد و بیشتر به بعد عمودی آینده پژوهی و لایه های تحلیل می پردازد و ارزش بالاتری برای عمق قابل است اما در سطوح عمیق تر خاتمه نمی یابد. حرکت رو به بالا و پایین در لایه های مختلف یک عامل کلیدی است. در واقع CLA به تمام این لایه ها نیاز دارد تا پژوهشی ارزشمند و تحول ساز انجام گیرد (Inayatullah, 2004: 8-16). بهترین کاربرد آن در رابطه با دیگر روش ها هم چون تحلیل موضوعات در حال ظهور و چشم اندازسازی است (Inayatullah, 2005:19).

مطابق روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، زمانی که در خصوص موضوعی قصد آینده پژوهی داریم، باید طیفی از لایه های عینی و ذهنی شکل دهنده به آینده را مورد توجه قرار داد. این لایه ها عبارتند از: لایهٔ لیتانی<sup>۱</sup>: لایهٔ لیتانی نخستین سطح تحلیل در روش تحلیل لایه ای علت هاست که در این سطح، لایهٔ ظاهری موضوع مورد نظر مطالعه و بررسی می شود. لایهٔ نظام های علی<sup>۲</sup>: روش تحلیل لایه ای علت ها با عبور از لایهٔ اول، به سرعت وارد لایهٔ دوم یعنی لایهٔ نظام های علی می شود و به واکاوی ریشه های مسئلهٔ مورد نظر در این لایه ها می پردازد. این مرحله نمایانگر شهادی بر ادعای ارائه شده در لایهٔ قبل است. لایهٔ گفتمان/جهان‌بینی<sup>۳</sup>: در این سطح یافتن ساختارهای عمیق تر پشت موضوع و نیز بازتعریف مسئله بسیار مهم و حیاتی است. در این سطح شالوده های نمایش سطح لیتانی مورد نقد و پرسش قرار می گیرند. لایهٔ اسطوره/استعاره<sup>۴</sup>: در این لایه که عمیق ترین و خلاقانه ترین سطح کار است، به دنبال استعاره های پنهان در متن است (کرامت زاده، ۱۳۹۵: ۲۲).

روش تحلیل لایه ای علت ها به فراسوی چارچوب های متعارف تعریف موضوع و مسئله می رود که با توجه به تحلیل صورت گرفته در چهار سطح، می توان هر یک از آنها را در قالب یک سناریوی بدیل ارائه داد. هر سناریو در واقع معرف یک شیوه متفاوت دانستن آینده است. روش تحلیل لایه‌ای علت ها، سناریوها را در فضای عمودی نیز مرتب می کند ( خزائی و همکاران، ۱۳۹۲:

1. Litany
2. Systematic causes
3. Discourse/Worldview
4. Myth/Metaphor



۹۱). در پژوهش حاضر، با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با متخصصین، به بررسی وضع موجود مفهوم محله در چهار لایه تحلیل لایه‌های علت‌ها پرداخته شده و سپس با شروع از عمیق‌ترین لایه یعنی اسطوره/استعاره به تبیین استعاره‌های بدیل برای مفهوم محله از دیدگاه متخصصان پرداخته شده است. در قسمت دوم با حرکت از عمیق‌ترین لایه به گفتمان/جهان-بینی‌هایی که از استعاره‌های بدیل حمایت می‌کنند، پرداخته شده و در مرحله بعد، بر مبنای گفتمان/جهان‌بینی‌های بدیل به تبیین علل کلان اجتماعی بدیل پرداخته شده است. در انتها نیز، سناریوهایی در راستای این تحلیل‌ها تبیین شده و برای اعتبارسنجی سناریوها، مجدداً سناریوها به افراد متخصص ارائه گردید و تعدیلاتی در آنها اعمال شد.

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری پژوهش

برای دستیابی به اطلاعات مرتبط با لایه‌های چهارگانه تحلیل لایه‌های علت‌ها شامل لایه مشهود مسئله، علل کلان اجتماعی و همچنین جهان‌بینی/گفتمان و استعاره/اسطوره‌هایی که از وضع موجود پشتیبانی می‌کنند؛ ضمن مطالعه ادبیات موضوع برای طراحی سوالات اولیه مصاحبه، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند به متخصصین موضوع که بیشترین درگیری را با موضوع مطالعه دارند، مراجعه و پس از تشریح روش تحلیل لایه‌های علت‌ها برای این افراد با آنان مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته انجام شد. معیار مورد نظر برای انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل آگاهی داشتن و فعال بودن در زمینه مورد بحث بود. همچنین، بعضی از مصاحبه‌شوندگان به طور اختیاری افراد خبره دیگری را برای انجام مصاحبه پیشنهاد دادند که خود گویای روش نمونه برداری گلوله برفی<sup>۱</sup> است. ملاک حجم نمونه را کفایت، تئوریک و اشباع نظری موضوع تعیین نموده است. به طور سنتی، یکی از دغدغه‌های رویکرد موردکاوی سنجش اعتبار نتایج آن است (Zaltman, et al, 1982). در پژوهش کیفی، سنجش اعتبار به معنی درجه شباهت نتایج با واقعیت است (Glyn, 2000). پایایی در پژوهش کیفی نیز گرچه مورد مناقشه است (گل افشانی، ۱۳۸۵)، اما به معنی به دست آمدن نتایج یکسان در صورت تکرار دوباره فرآیند تحقیق تعبیر می‌گردد (Pandit, 1996). در این پژوهش، از طریق رعایت مواردی مانند ۱- اتکا بر ادبیات موضوع و مقایسه یافته‌ها با آن، ۲- طراحی دستورالعمل مصاحبه و برگزاری مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته ۳- به کارگیری فرآیند مدون برای ثبت، ضبط و تحلیل داده‌ها ۴- نمونه‌گیری نظری و ۵- ارائه یافته‌های پژوهش به ۳ نفر از خبرگان دانشگاهی اعتبار و پایایی پژوهش مهیا گردیده است.

### یافته‌ها

#### کاربرد روش تحلیل لایه‌های علت‌ها در بررسی حس تعلق محله‌ای و نگارش سناریو

به منظور بررسی حس تعلق محله‌ای، براساس روش تحلیل لایه‌های علت‌ها این موضوع در چهار سطح لیتانی، علل اجتماعی، جهان‌بینی یا گفتمان و اسطوره/استعاره مورد تحلیل قرار گرفت و عواملی که در چهار سطح بر مسئله حس تعلق محله‌ای تأثیر گذار می‌باشند، واکاوی و مورد بررسی قرار گرفت. براساس مطالعات صورت گرفته پیرامون موضوع پژوهش و نتایج مصاحبه‌ها در لایه اول و در ارتباط با مسائل مشهود مفهوم محله در شهرهای معاصر، آنچه مورد اجماع است، تغییر بسیار مفهوم محله است. تغییر محله به واحد‌های همسایگی و سایر اشکال، نشان از تغییر بسیار در مفهوم محله دارد. داده‌ها و اطلاعات بسیاری در دسترس قرار دارد که بیانگر تغییرات و تحولاتی اساسی در خصیصه‌های محله‌های شهری هستند و از حیث تجربی نیز می‌توان آن‌ها را تأیید کرد. اینکه چرا چنین تحولی ایجاد شده است و چه عواملی در بروز آن مؤثر بوده‌اند، اساساً باید در لایه‌های عمیق تر جستجو گردد. پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای برای طراحی سوالات اولیه، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با متخصصین برای بررسی لایه‌های تحلیل لایه‌های علت‌ها، انجام گرفت که در ادامه نتایج آرایه می‌گردد. در لایه دوم، دامنه تأثیر و روابط عناصر تشکیل دهنده حس تعلق محله‌ای گسترش می‌یابد. در پاسخ به این سؤال که چگونه مفهوم محلات شهری و حس تعلق مکانی تغییر کرده و کدام علت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قانونی و کالبدی مسبب تغییر شدند؟ مصاحبه-

#### 5. Snowball SAMPLING

۲. در تحلیل لایه‌های علت‌ها، لایه دوم با عنوان علل اجتماعی (social causes) بیان شده است. ولی در توضیحات و نمونه‌های ارائه شده توسط سهیل عنایت‌الله به تمامی عواملی که تحت عنوان عوامل محیط کلان در مدیریت شناخته شده است؛ یعنی عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قانونی و سیاسی و زیست محیطی اشاره شده است. ضمن اینکه در بخش‌هایی مانند تجدیدگرایی که هم تحت عنوان گفتمان تجدیدگرایی و هم فرهنگ تجدیدگرایی قابل دسته‌بندی است؛ مشکلاتی در طبقه بندی لایه‌ها به وجود می‌آید.

شوندگان، علت‌های تغییر مفهوم محله به عنوان مکانی که به دلیل تحولات و تغییرات اقتصادی و در پاسخ به نیازهای اقتصادی دوران معاصر، ساز و کار فناوری را پذیرفته و از مفهوم اصلی خود فاصله گرفته و از جهانی شدن شهرها تأثیراتی دیده است؛ اشاره کردند. همچنین بر این باور بودند که به دلیل تسلط جامعه سرمایه‌داری مدرنیته در ساختار محلات شهری، فضای محله به سمت تجددگرایی تغییر یافته است. فضای کالبد محله بدون روح و معنا شده و به سمت بی هویتی کشانده شده است. عوامل اقتصادی، اجتماعی و ... در مفهوم محلات شهری منجر به مفاهیمی جدید شده به طوری که ساختار اصلی محله به ناسازگاری و تجددطلبی در محتوا و کالبد تبدیل شده است. در جدول شماره ۲ علل کلان تغییر مفهوم محلات شهری در ارتباط با حس تعلق مکانی از نظر مصاحبه‌شوندگان نشان داده شده است.

در لایه سوم، براساس نتایج مصاحبه با متخصصان و جامعه علمی، مفهوم محلات شهری در ارتباط با حس تعلق مکانی از لحاظ گفتمان / جهان بینی، در دوران معاصر دچار دگردیسی شده است که با ورود مدرنیته، حذف جبری و شاید عجولانه بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و نگاه اقتصادی به محیط محلات نشان دهنده اثرات منفی، تحولات سطحی ناشی از مدرنیسم در دوران معاصر است. تغییر بافت اجتماعی محله‌ها در اثر عواملی مانند گسترش مناسبات سوداگرانه، افزایش تمایلات منفعت طلبانه و فرد گرایانه و رقابت شدید برای دستیابی و بهره‌مندی از امکانات و خدمات بیشتر، تغییر نیازهای معاشرتی و نفوذ فرهنگ غربی، تعاملات و روابط اجتماعی بر مبنای شخصی‌سازی و در فضای خصوصی سکونت شکل می‌گیرد. در محلات شهری به مرور زمان، فرمول‌ها، ضابطه‌ها و الگوها جایگزین مواجهه‌های شخصی و تجربه‌های غنی و صمیمانه مکان‌ها شده و تجربه مدرن از فضا به صورت عنصری خالی، جایگزین ویژگی‌هایی چون تنوع، شگفتی، ابهام، سرزندگی، خاطره‌انگیزی و حس تعلق و در نهایت منجر به بی تفاوتی میان ساکنان آن شده است.

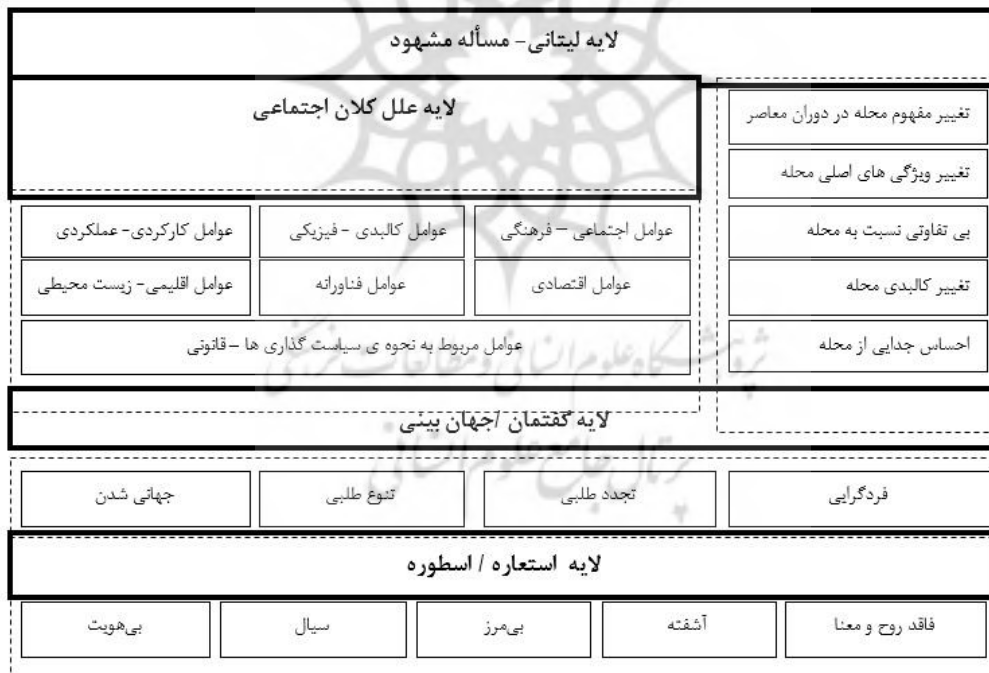


جدول ۲. علل کلان تغییر مفهوم محلات شهری در ارتباط با حس تعلق مکانی

| عوامل مؤثر         | مسائل زمینه‌ای تغییر مفهوم محله  |
|--------------------|--|
| اجتماعی- فرهنگی    | <ul style="list-style-type: none"> <li>فردگرایی و حس تنوع‌طلبی که افراد را به سمت تعویض محله می‌کشاند.</li> <li>تقسیم بندی محلات براساس مرزبندی های طبقات اجتماعی و اقتصادی</li> <li>جایگزینی روابط گذار به جای همبستگی اجتماعی</li> <li>کاهش ارتباطات چهره به چهره</li> <li>تغییر در شیوه زیست و محدود شدن روابط همسایگی</li> <li>از بین رفتن تعاملات اجتماعی و سرزندگی</li> <li>عدم تطابق فرهنگ تلفیقی مدرن و سنتی زندگی امروز با الگوی مسکن و محله مدرن</li> <li>کم شدن برخوردهای اجتماعی که بواسطه استفاده از خدمات مشترک محلی شکل می‌گرفتند و کم رنگ شدن همدلی بین هم محله ای‌ها</li> <li>کاهش ایمنی و امنیت اجتماعی به واسطه عدم حس مسئولیت اجتماعی ساکنین</li> <li>محله مکانی برای تبلور تمایزات طبقات اجتماعی.</li> <li>حذف برخی فضاهای اصلی محله نظیر مرکز محله به عنوان محل تجمعات جمعی</li> <li>عدم مشارکت و همیاری و حس مسئولیت ساکنین</li> </ul>  |
| اقتصادی            | <ul style="list-style-type: none"> <li>گسترش مناسبات سوداگرانه باعث شده غالباً توان اقتصادی و سطح مالی ساکنین، تنها عامل همسایگی‌ها باشد</li> <li>به دلیل صرفه‌های اقتصادی، کاهش سطح اشتغال و گرایش به گسترش عمودی</li> <li>جدایی مراکز اشتغال از محل سکونت</li> </ul>   |
| فناوری             | <ul style="list-style-type: none"> <li>ورود اتومبیل و تغییر شرایط خدمات‌رسانی در محلات</li> <li>افزایش سفرهای ماشینی که موجب افزایش تراکم ترافیک، هزینه پارکینگ، خطر تصادف و افزایش آلودگی شده است.</li> <li>استفاده فزاینده از اینترنت که باعث کاهش رفت و آمد در محله، همبستگی بین همسایگان، عدم اهمیت فضای محله، فقدان پیوند اجتماعی بین افراد محله، انزوای اجتماعی و کاهش دیدار افراد در مکان‌های عمومی چون پارک و خیابان، ضعف تعلق اجتماعی افراد و کاهش پیاده‌روی شده است.</li> </ul>  |
| کالبدی- فیزیکی     | <ul style="list-style-type: none"> <li>تبدیل محله به واحدهای همسایگی و مجتمع‌های بلندمرتبه</li> <li>عدم رعایت اصل سلسله مراتب (این سلسله مراتب نوعی محرمیت و حجاب سکونتی برای محله نسبت به شهرها ایجاد می‌کند)</li> <li>عدم توجه به مقیاس انسانی و فضاهای انسانی با تداوم عرصه‌ها و بافت‌ها</li> <li>شبکه‌های شطرنجی و طراحی‌های اتومبیل‌محور، افزایش تراکم‌های جمعیتی و ساختمانی و کاهش سطح اشتغال و گرایش به گسترش عمودی محلات</li> <li>انطباق ویژگی‌های کالبدی محله منطبق با استانداردهای خشک کارکردی که ویژگی‌های بومی، اقلیمی و فرهنگی- اجتماعی در آنها لحاظ نشده است.</li> <li>الگوی نامشخص و متغیر محله</li> <li>عدم هماهنگی و خوانایی ساخت فضایی، تراکم‌ها، نمادها</li> <li>جایگزینی مقیاس ماشینی به جای مقیاس انسانی</li> <li>آشفته‌گی در استفاده از مصالح جدید</li> <li>عدم تداوم بافت در بدنه خیابان</li> <li>شکل‌گیری ساختار فیزیکی محلات جدید بر مبنای توده ساختمانی (بلوک‌های شهری)</li> <li>عدم تاثیر ویژگی‌های خاص جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی در ویژگی‌های کالبدی نظیر ابعاد و مقیاس محله و تشابه سیمای عمومی حوزه‌های مسکونی</li> </ul> |
| کارکردی- عملکردی   | <ul style="list-style-type: none"> <li>حذف کارکردهایی مثل محل بازی کودکان به دلیل عدم وجود فضای مناسب و به تبع آن ایجاد شهرسازی‌ها دور از محله</li> <li>دسترسی عمودی به خدمات مانند فروشگاهها، مدرسه در طبقات ساختمان</li> <li>تنزل کیفی زندگی در فضای عمومی به دلیل تفکیک عملکردها</li> <li>برخی کارکردهای مهم از محله حذف شده اند: مانند مرکز محله، گذر</li> <li>تعریف محلات بر اساس خدمات مشخص برگرفته از الگوهای غربی</li> <li>نقش بسیار غالب کارکرد سکونتی</li> <li>حذف استقلال نسبی محلات</li> <li>تقسیم هندسی دانه بندی‌ها و یکسان بودن قطعات و کاهش تنوع‌های عملکردی و کالبدی، فضایی</li> </ul>  |
| قانونی             | <ul style="list-style-type: none"> <li>تعیین ابعاد، جمعیت و مساحت مشخص برای محلات</li> <li>عدم انسجام لازم در برخی قوانین نظیر ارتفاع مجاز ساختمان‌های بلند مرتبه بدون در نظر گرفتن رعایت اشرافیت و حرائم</li> <li>عدم رعایت الزامات اقلیمی در ساخت محله (ایجاد سایه با استفاده از حیاط مرکزی، کوچه باریک و ساباط و...)</li> </ul>   |
| اقلیمی-زیستی محیطی | <ul style="list-style-type: none"> <li>از بین رفتن فضاهای سبز</li> <li>افزایش وسایل حمل و نقل در محلات و افزایش آلودگی</li> <li>عدم استفاده از مصالح با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، اقلیمی</li> </ul>   |
| سیاست‌گذاری‌ها     | <ul style="list-style-type: none"> <li>تأسیس نهادهای مدیریت شهری که مدیریت از بالا به پایین را جایگزین سیستم مدیریت محله ای نموده‌اند</li> <li>شکل دهی محلات بر اساس برنامه‌ریزی‌های جمعیتی، کالبدی و اقتصادی از طریق طرح‌های توسعه شهری</li> <li>عدم ارائه الگوی انعطاف‌پذیر محله، هماهنگ با شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی هر محله.</li> <li>عدم مشارکت با تغییر سیستم مدیریتی در محلات جدید</li> </ul>  |

در عصر جهانی شدن با تحلیل رفتن نظام سلسله مراتب شهری و جایگزین شدن نظام شبکه‌ای به جای آن تغییراتی در شبکه معابر محله به وجود آمده است. مرکز محله که قبلاً عمدتاً از عوامل فرهنگی مذهبی همچون مسجد و تکیه متأثر بود، در اثر تغییر سبک زندگی و افزایش روز افزون عرضه انواع کالاها، امروزه از عوامل تجاری و اقتصادی (مراکز خرید، پاساژها و مغازه‌ها) متأثر شده است. در محله‌های سنتی، میدان محل تلاقی معابر درون محله بود اغلب فرصت توقف و برخورد‌های چهره به چهره و تعاملات و حتی گذران اوقات فراغت اهل محل را فراهم می‌آورد امروزه کارکرد خود را از دست داده است. چرا که در طرح‌های جدید شهری، میادین اغلب در محل تقاطع خیابان‌های اصلی شهر پیش بینی شده‌اند و اساساً شهرها برای اتومبیل‌ها طراحی می‌شوند. همچنین مسکن محله هم که از عناصر اصلی تشکیل دهنده ساختار محله‌های شهری هستند، با توجه به اینکه از سبک‌های معماری، توسعه پراکنده و رشد بی‌رویه در فضای سکونت تبعیت می‌کنند و نوعی تنوع طلبی در بافت اجتماعی و کالبدی به وجود می‌آید.

لایه چهارم استعاره / اسطوره؛ در لایه چهارم این پرسش اصلی مد نظر قرار گرفته است که کدام استعاره‌ها بهتر وضع موجود محلات شهری را در ارتباط با حس تعلق مکانی تشریح می‌کنند؟ در پاسخ به این سوال، مصاحبه‌شوندگان از استعاره‌هایی مانند «فاقد روح و معنا»، «آشفته»، «سیال»، «هرج و مرج»، «بی‌مرز»، «بی‌هویت» استفاده کردند. حال که تراکم و ساخت و ساز منازل مسکونی، از حد مجاز عبور کرده است، تعلق خاطر به محله به یک انزوای درونی و اجتماعی تبدیل شده است به گونه‌ای که اجتماع خاصیت اجتماعی بودن خود را از دست داده است. بهترین استعاره برای توصیف وضع موجود محلات شکل‌گیری واحدهای همسایگی یا چیدمان بلوک‌های ساختمانی در کنار هم به عنوان «فضای‌های فاقد روح و معنا» می‌باشد که محلات به سمت «بی‌هویتی» کشانده است. نمودار شماره ۳ به صورت خلاصه دیدگاه متخصصان نسبت به عوامل و عناصر مؤثر در هر یک از لایه‌های چهارگانه را نشان می‌دهد.



شکل ۳. تحلیل وضع موجود محلات شهری و حس تعلق مکانی به آن در لایه‌های چهارگانه روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها از دیدگاه متخصصان و معماران و برنامه‌ریزان شهری

## بحث

## سناریوهای بدیل برای مفهوم محله شهری در ارتباط با حس تعلق و تلفیق با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها

عنایت اله و همکاران (۲۰۱۶: ۱۱۰) از تغییر در سطح اسطوره/استعاره به عنوان «تغییر راهبردی» یاد می‌کنند. برای ساخت آینده‌های بدیل اگر از تغییر در لایه‌های بالاتر شروع کنیم؛ عمق تغییرات اندک و در نتیجه آینده‌ها به صورت صرفاً ظاهری بدیل هستند و از نظر ماهوی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند.

به همین منظور برای ارایه آینده‌های بدیل، تلاش بر این بود تا با شروع از لایه چهارم، استعاره/اسطوره‌های بدیلی برای وضعیت موجود ارایه شود و سپس بر مبنای این استعاره/اسطوره‌های بدیل، به ارایه جهان‌بینی/گفتمان‌های بدیل و سپس علل کلان اجتماعی بدیل پرداخته شود.

مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سوال که کدام استعاره‌های بدیل، توانایی شکل دادن به مفهوم محلات شهری در ارتباط با حس تعلق مکانی را دارند؟ از استعاره «محله هوشمند»، متناسب با تحولات محله و فاصله‌گیری از حس تعلق، مفهوم مشترک مجازی، بهره‌گیری از اینترنت، خدمات رسانی در سطح محله استفاده کردند. همچنین استعاره‌های «محله پایدار»، «محله منعطف» و «محله جهانی» را برای توصیف آینده‌های بدیل به کار بردند.

مهمترین کاربرد روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در ایجاد فضا برای خلق آینده‌های بدیل و سناریونویسی ابزاری برای بیان روایی این آینده‌های بدیل است. سناریوهای بدیل برای آینده‌های بدیل بر مبنای استعاره/اسطوره‌های بدیل نگاشته شده‌اند. بر این مینا و براساس یافته‌های تحقیق، همچنین با توجه به چهار الگوی اصلی جیمز دیتور ۱۹۷۹ در نگارش سناریو (رشد مداوم، فروپاشی، وضعیت باثبات و دگرگونی) چهار سناریو برای مفهوم محله شهری در ارتباط با حس تعلق ارائه می‌شود:

**سناریوی فناوری محور**، سناریو محله در این حالت سناریو «محله هوشمند» است. در این سناریو فناوری راه حل تمام مسائل فرض می‌شود و با رشد مداوم فناوری، ارتباطات و فعالیت‌های متداول حقیقی و واقعی عمدتاً مجازی می‌شوند و تعاملات اجتماعی در فضای واقعی معنای خود را از دست داده و محله‌ها بیشتر برای ایجاد فضاهای انفرادی برای پاسخ‌گویی به خواسته و نیازهای افراد شکل می‌گیرد. فردگرایی به اوج خود می‌رسد. سیستم حمل و نقل این توانایی را خواهند داشت تا به صورت آنلاین داده‌های خود را ارسال کرده و بازخوردهای متناسب را دریافت کنند. در نتیجه فرم‌ها و فضاها نیز قالب‌های هندسی ادراکی و مفهومی جدید پیدا می‌کنند.

**سناریو فروپاشی**، در این سناریو، سناریوی منتخب «محله جهانی» انتخاب شده است. در این حالت محلات شهری، به سبب گسترش پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از حد تصور دولت بوده و اهمیت محلات و قومیت‌گرایی به حداقل رسیده است و در حقیقت از پیامدهای نوزایی تمدن صنعتی و انقلاط تکنولوژی و گسترش سرمایه‌داری می‌باشد که محلات سرمایه اصلی خود حس تعلق را که در لایه علل کلان اجتماعی به ابعاد و عوامل آن اشاره شده، از دست داده و تناقضات در اثر تغییر مفهوم محله بوجود آمده است و شکل دهی محله بدون مدیریت کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عملکردی ادامه داشته است.

**سناریو دوام سو**، سناریوی منتخب در این حالت، سناریوی «محله پایدار» است. که حالتی متوازن و متعادل، عوامل ساختار محله در بخش‌های کالبدی، اقتصادی و عملکردی را در بر می‌گیرد. احساس تعلق به محله در ساختار، معنا و هویت محله دیده خواهد شد و روابط اجتماعی گسترده و حس تعلق نسبت به محله شکل خواهد گرفت. محله‌ای با سطح روابط اجتماعی بادوام در یک واحد مستقل شکل خواهد گرفت و مرزهای جغرافیایی محله از لحاظ نظام اداری نامتوازن حذف خواهد شد و مبنای قلمروی محله اصول شهرداری بومی خواهد بود. موقعیت جغرافیایی محله، تعیین‌کننده‌ای اساسی در روابط افراد به صورت مداوم خواهد بود.

**سناریوی تحول سو**، در این سناریو، سناریوی «محله منعطف» انتخاب شده است. کارکردهای گذشته محله همانند دسترسی به عناصر و مرکز محله، گذرها و به تبع آن فضای میدان در ساختار محله دگرگون خواهد شد. ویژگی اصلی آن خیابان‌های کوچک متصل به یکدیگر است. کنترل آبی ترافیک خیابان‌های طراحی شده برای رفت و آمد اتومبیل‌ها و امکان تغییر سریع مبلمان شهری برای تسهیل حرکت اتومبیل‌ها، دوچرخه‌سواران و افراد پیاده از جمله ویژگی‌های این محله خواهد بود. این تغییرات در تمامی



ساعات شبانه روز و بر مبنای نیازهای شهروندان هر محل صورت می‌گیرد. و تعاملات اجتماعی به حداقل رسیده و تعلق به محله به عنوان سرمایه درونی و ذاتی، زمینه فهم و احساس ساکنان از محله، از بین رفته و موجب تغییر مفهوم محله می‌گردد.

## نتیجه

در شهرهای امروزی ایران با ورود مدرنیته و تحولات سطحی ناشی از آن، مفهوم همسایگی و همجواری صرف، جایگزین محله گردیده است و به نظر می‌رسد در این زمینه که محله در شهرهای معاصر دقیقاً چه مفهومی دارد، وجود دارد. بدیهی است که بررسی عوامل شکل‌گیری محله‌های گذشته و راهکار گزینی برای انتقال آن به حال و آینده نمی‌تواند جوابگو باشد. این ضرورت احساس می‌شود که با نگاهی به آینده‌های بدیل، مفهوم محله به صورت عمیق‌تری مورد واکاوی قرار گیرد.

در این پژوهش، روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها به منظور ساختارزدایی و ساختاردهی مجدد به آینده و برای خلق آینده‌های بدیل و ارائه سناریوهای بدیل براساس استعاره‌های بدیل از مفهوم محله مورد استفاده قرار گرفت. طبق نتایج تحقیق، در لایه اول در ارتباط با مفهوم محله در شهرهای معاصر، لایه مشهود مفهوم محله مورد واکاوی قرار گرفت و موضوع مورد اجماع در نظر متخصصین، تغییر بسیار مفهوم محله است. تغییر محله به واحدهای همسایگی و سایر اشکال، نشان از تغییر در مفهوم محله دارد. این سطح بیشتر نمایگر مواجهه با مشکلات موجود در رابطه با محله می‌باشد. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها با عبور از لایه اول، به سرعت وارد لایه دوم یعنی لایه علل کلان اجتماعی می‌شود و به واکاوی ریشه‌های مسئله مورد نظر در این لایه‌ها می‌پردازد. این مرحله نمایانگر شهادی بر ادعای ارائه شده در لایه قبل است؛ که عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فناورانه و سیاست‌گذاری - قانونی موثر بر تغییر مفهوم محله مورد بررسی قرار گرفت. در سطح سوم تحلیل، به بررسی گفتمان/جهان‌بینی که از وضع موجود مفهوم محله پشتیبانی می‌کند، پرداخته شد. از نظر متخصصین، گفتمان‌های مدرنیته و جهانی‌سازی، فردگرایی و تنوع طلبی زمینه اساسی برای تغییر مفهوم محله را فراهم کرده‌اند.

در لایه چهارم به عنوان عمیق‌ترین و خلاقانه‌ترین سطح، استعاره‌های تشریح‌کننده مفهوم فعلی محله در ذهن متخصصین بررسی شد. و در نهایت از آنان خواسته شد تا استعاره‌های بدیلی برای نگارش سناریوهای بدیل ارائه دهند. با توجه به تغییر مستمر مفهوم محله و ادامه این روند می‌توان بیان کرد که محله در آینده بیشتر به این سو سوق خواهد داشت که بیشتر نقش عبور و مرور با تعاملات اجتماعی پایین را بازی کند و با ورود تکنولوژی بیش از حد به زندگی مردم، تعاملات اجتماعی در فضای واقعی، معنای خود را از دست داده، تعلق به محله به عنوان سرمایه درونی و ذاتی، زمینه فهم و احساس ساکنان محیط محله، از بین خواهد رفت. در سناریوی بدیل دیگری، با نگرشی خوشبینانه و با تعدیل روندهای کنونی و تبیین فضای قابل زیست، حس تعلق بیش از پیش رشد کرده و ماندگاری افراد در محل زیست و زادگاهشان افزایش پیدا می‌کند و سرمایه اجتماعی و مشارکت آگاهانه مردم افزایش پیدا می‌کند. از طرف دیگر تقویت هویت شهری محله‌ای را سبب می‌شود و محله‌ای قابل زیست با تعلقات خاطر مکانی و زمانی منسجم و یکپارچه بوجود می‌آید و تصاویر ذهنی متناسب با کالبد محله شکل می‌گیرد که نقش مهمی در طراحی و بازسازی مجدد محله با فناوری امروزی همانند مرکز خرید اینترنتی، تاکسی الکترونیکی، کتابخانه الکترونیکی و... که محل تعاملات اجتماعی ساکنان بومی است، ایفا می‌کند و حس تعلق مکانی نسبت به محلات شهری تقویت خواهد شد. بنابراین با توجه به تغییر مفهوم محله در لایه‌های مختلف، تحلیل لایه‌ای علت‌ها با استفاده از سناریو نویسی به عنوان ابزار بیانی، بستر مناسبی را برای خلق آینده‌های بدیل برای گذر از وضع موجود به آینده مطلوب را فراهم می‌کند و طراحان و برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با ارائه تصویری مطلوب از محله، بحران‌های موجود در این زمینه را مدیریت کنند.

## منابع

- اژدری، علی رضا، فریدی زاده، امیرمسعود و کامه خوش، پارسا (۱۳۸۹). به سوی راهکاری برای طراحی فرهنگ محور. مجله هنرهای زیبا هنرهای تجسمی، شماره ۴۲، صص ۵۷-۶۵.
- امامی، علی، بازدار، مهرنوش، صفری، ملیحه و فرحناکی، رامونا. (۱۳۹۳). تعیین رابطه حس تعلق و شاخصه‌های اجتماعی آن، نمونه موردی: روستای زیارت در گلستان. فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۱، صص ۱۱-۲۱.
- پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۴). ارزشهای محله تاریخی و معیارهای تغییر در آن از نظر ساکنان. مجله باغ نظر، شماره ۳۵، صص ۳۹-۵۲.

- توسلی، غلام عباسی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، انتشارات تهران: دانشگاه پیام نور.
- جمشیدیه، غلامرضا، پروایی هرهدشت، شیوا، پیری، صدیقه و ادیب حاج باقری، ثریا. (۱۳۹۳). بررسی نقش احساس تعلق محله‌ای در افزایش مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: محله قزل قلعه تهران). مطالعات جامعه‌شناختی شهر، شماره ۴۰، ص ۱۰.
- جوادی، معصومه. (۱۳۸۹). تاثیر فضاهای مجازی بر حس تعلق به مکان در کلان‌شهر مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل.
- جوان فروزنده، علی و مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. هویت شهر، شماره ۸، صص ۲۷-۳۸.
- حسینی مقدم، محمد. (۱۳۹۰). کاربرد آینده‌پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه لایه علت‌ها. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، صص ۱۸۸-۱۶۹.
- حقیقتیان، منصور، اسماعیلی، رضا و کریمی زاده اردکانی، سمیه. (۱۳۹۴). محله محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۱۴، صص ۵۳-۷۴.
- خزائی، سعید، جلیلود، محمد رضا و نصر الهی وسطی، لیلا. (۱۳۹۲). بررسی نظری روش تحلیل لایه لایه علت‌ها در حوزه آینده‌پژوهی. مطالعات آینده‌پژوهی، شماره ۶، صص ۷۱-۱۰۲.
- رضازاده، راضیه. (۱۳۸۵). رویکرد روانشناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید. مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
- رهنمایی، محمدتقی، فرهودی، رحمت‌الله، قالیباف محمدباقر و هادی پور، حلیمه خاتون. (۱۳۸۶). سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران، جغرافیا (نشریه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۱۹-۴۳.
- زمانی، بهادر، شمس، سارا. (۱۳۹۲). ضرورت رویکرد محله-مبنا در احیای بافت‌های تاریخی شهرها. هفت شهر، دوره ۴، شماره ۴۵-۴۶، صص ۷۳-۹۳.
- زیاری، کرامت‌الله، حاتمی، احمد و مصباحی، سحر. (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت اجتماعی با تأکید بر احساس تعلق محله‌ای (مطالعه موردی: نورآباد دلفان). جغرافیای اجتماعی شهری، دوره ۴، شماره ۲، صص ۶۹-۸۶.
- سیاوش پور، بهرام، شادلو جهرمی، مجتبی و مولایی رامشه، زهره. (۱۳۹۳). ابعاد تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت). ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
- عبداله‌ای، مجید، صرافی، مظفر و توکلی نیا، جمیله. (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، شماره ۷۲، صص ۸۳-۱۰۲.
- عربی، زهرا و طاوسی، سمیرا و سادات موسوی، سمیه. (۱۳۹۵). حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: تهران، محله ارامنه الف). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۳-۲۱.
- عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص ۳۵-۴۶.
- عنایت‌الله، سهیل و میلوبه بیج، ایوانا. (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، ترجمه: مریم یوسفیان، علیرضا نصر اصفهانی، فاطمه عیوضی، محمد فراهانی و مهدی مبصری، جلد اول، تهران: انتشارات شکیب.
- غروی الخوانساری، مریم. (۱۳۹۳). از محله سنتی تا محله معاصر؛ کندوکاوی در راهکارهای احیاء هویت محلی در شهر امروز. معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۱، صص ۶۱-۶۷.
- فاتح‌راد، مهدی، جلیلود، محمدرضا و نصراله‌ای وسطی، لیلا. (۱۳۹۲). درآمدی بر مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی. مطالعات آینده‌پژوهی، شماره ۸، صص ۲۷-۵۲.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). نقش طرح کالبدی در حس مکان (مقایسه حس مکان پنج مسجد معاصر با طرح سنتی و نوآورانه). رساله دکتری در رشته معماری، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- کرامت‌زاده، عبدالمجید. (۱۳۹۵). نقش استعاره‌های شناختی در آینده‌پژوهی با تحلیل دیدگاه‌های سهیل عنایت‌الله، آینده‌پژوهی ایران، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵-۳۱.
- گل‌افشانی، ناهید. (۱۳۸۵). روایی و پایایی در پژوهش کیفیت. فصلنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی مدیریت فردا، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۳۳-۴۱.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری. مترجم: عینی‌فر، علیرضا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مبارکی، محمد، صلاحی، سمیه (۱۳۹۲). کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی. علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۵۵، صص ۲۷۵-۳۱۵.

- محمدی، جمال و آزاده سید رضا. (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی اصفهان از نظر میزان انطباق‌پذیری با شاخص‌های ایرانی - اسلامی مطالعه موردی: محله‌های جویباره و شهرک نگین. شهرهای ایرانی اسلامی، شماره ۳۴، صص ۲۳-۸۹.
- معلمی، محسن. (۱۳۸۶). هویت شهری، هویت‌مسکونی، مفاهیم گم‌شده امروزی. ماهنامه راه و ساختمان، شماره ۴۸، صص ۹۰-۹۵.
- موقر، حمید رضا، رنجبر، احسان و پور جعفر، محمد رضا. (۱۳۹۴). بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران نمونه مطالعاتی محله‌های شهر نایین. مطالعات معماری ایران، شماره ۸، صص ۳۵-۵۶.
- میردامای، سیدپرهام. (۱۳۹۱). ارتقاء کیفیت محیط‌های شهری با تأکید بر رویکرد مکانی (نمونه موردی: محله ولنجک تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان.
- نادر، احمد، شیرعلی، ابراهیم و قاسمی کفرودی، سجاد. (۱۳۹۳). بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی (نمونه موردی: محله نعمت آباد). مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۳، صص ۷-۲۰.
- ناطق پور، محمدجواد. (۱۳۸۳). توسعه و تعلق اجتماعی با تأکید بر نقش شوراهای اسلامی. رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۲۸-۳۳.
- وارثی، حمیدرضا، عامل‌یافته، مهدی و محمدزاده، محمد. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدی (مطالعه موردی: شهر گلپه‌هار). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۷-۳۶.

## References

- Abdollahi, Majid, Sarafi, Mozaffar and Tavakkolia, Jamila. (2010). A Theoretical Investigation of the Concept of Neighborhood and its Redefinition with Emphasis on the Conditions of Iranian Urban Neighborhoods, *Human Geographic Research (Geographical Research)*, 72, 83 - 102. (in Persian)
- Altman, I & Low, S (1992). *Place Attachment*. London: Plenum Press.
- Ajdari, Ali Reza, Faridi Zad, Amir Massoud and Kamah Khosh, Parsa (2010). Towards a solution for culture-based design. *Fine Arts Visual Arts*, vol 42, pp 57-65. (in Persian)
- Arabi, Zahra and Tawassi, Samira and Sadat Mousavi, Somayeh. (2016). Sense of Neighborhood Belonging and its Role in Social Participation (Case Study: Tehran, Armenian Neighborhood A). *Iranian Journal of Social Development Studies*, 9 (1), 21-23. (in Persian)
- Azizi, Mohammad Mehdi (2006). Sustainable Residential Neighborhood: A Narmak Case Study. *Fine Arts*, 27, 35-46. (in Persian)
- Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. P. (1999). Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment. *Journal of environmental psychology*, 19(4), 331-352.
- Brown, B. B. & Perkins, D. D. (1992). *Disruptions in place attachment*. In *Place attachment* (pp. 279-304). Springer US. New York: Plenum.
- Cowan, R. (2005). *The dictionary of urbanism*. London: street wise press.
- Dator, J. (1979) The futures of cultures and cultures of the future, in Marsella, T., Ciborowski, T. and Tharp, R. (Eds), *Perspectives on Cross Cultural Psychology*, Academic Press, New York, NY.
- Emami, Ali, Bazdar, Mehrnoosh, Safari, Malihah and Farahnaki, Ramona. (2014). Determining the Relationship between Sense of Belief and Its Social Characteristics, Case Study: Ziarat Village in Golestan. *Utopia Architecture and Urban Development*, vol 21, pp 11-21. (in Persian)
- Fateh Rad, Mehdi, Jalilvand, Mohammad Reza and Nasrollahi Mesi, Leila. (2013). An Introduction to the Foundations of Futurology Reference Methodology and Methodology. *Futures Studies*, 8, 27-52. (in Persian)
- Falahat, Mohammad Sadegh. (2006). The role of physical design in sense of place (comparing the senses of five contemporary mosques with traditional and innovative design). Doctoral dissertation in Architecture, Faculty of Fine Arts, University of Tehran. (in Persian)
- Ghravi Al-Khwansari, Maryam. (2014). From traditional neighborhoods to contemporary neighborhoods, research into local identity restoration strategies in today's city. *Utopia Architecture and Urban Development*, 21, 61-67. (in Persian)
- Goffman, E. (1963). *Behavior in public spaces. Notes on the Social Organization of Gatherings*. The Free Press, NY.
- Golafshani, Nahid. (2006). Validity and Reliability in Quality Research. *Management Information Science, Education & Research Tomorrow* 13 & 14, 41-41. (in Persian)

- Gol Mohammadi, Ahmad (2002). Globalization of culture and identity. Tehran: Ney Publishing. (in Persian)
- Haghighatian, Mansour, Ismaili, Reza and Karimizadeh Ardakani, Somayeh. (2015). Neighborhood Orientation and the Neighborhood Feelings Among Residents of Tehran, *Urban Sociological Studies*, 14, 53-74.(in Persian)
- Hagerty, B. M., Lynch-Sauer, J., Patusky, K. L., Bouwsema, M., & Collier, P. (1992). Sense of belonging: A vital mental health concept. *Archives of psychiatric nursing*, 6(3), 172-177.
- Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of environmental psychology*, 21(3), 273-281.
- Hothi, M., & Cordes, C. (2008). Understanding neighbourliness and belonging: A scoping paper for the neighbourhood action network. Retrieved July 10, 2012.
- Hosseini Moghaddam, Mohammad. (2011). The application of futures research in political science relying on the method of layered analysis of causes. *International and Political Approaches*, 188-169. (in Persian)
- Inayatullah, Soheil and Milwaukee Yacht, Ivana. (2016). Futurology with a Layered Analysis of Causes, Translated by: Maryam Yousefian, Alireza Nasr Esfahani, Fatemeh Aivozi, Mohammad Farahani and Mehdi Mobasari, Volume I, Tehran: Shakib Publications. (in Persian)
- Inayatullah, S. (2005). Causal layered analysis—deepening the future. *Questioning the future: methods and tools for organizational and societal transformation*, 1, 1-22.
- Inayatullah, S.; Izgarjan, A; Kuusi, O.; Minkkinen, M., (2016). Metaphors in futures research, *Futures*, Vol. 84 p.109-114.
- Jamshidi, Gholamreza, Paravai Herdasht, Shiva, Piri, Sedigheh and Adib Haj Bagheri, Soraya. (2014). Investigating the Role of Neighborhood Feelings in Increasing Social Participation (Case Study: Ghezal Qaleh District, Tehran). *Sociological Studies of the City*, 40, 10. (in Persian)
- Javadi, Masoumeh. (2010). The effect of cyberspace on sense of place in Mashhad metropolis. Master of Science Degree in Geography and Urban Planning, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Zabol. (in Persian)
- Javan frouzandeh , Ali and Mutlib, Qasim. (2011). The concept of sense of belonging to the place and its constituent factors. *City Identity*, 8, 27-38. (in Persian)
- Karamzadeh, Abdol Majid (2016). The Role of Cognitive Metaphors in Futures Studies by Analyzing the Views of Soheil Enayatollah, *Futures Studies of Iran*, 1 (1), 31- 15. (in Persian)
- Khazaei, Saeed, Jalilvand, Mohammad Reza and Nasr Elahi Middle, Leila. (2013). Theoretical Investigation of the Layer Analysis of Causes in Future Research. *Future Studies*, 6, 10-71. (in Persian)
- Lang, John. (2007). *Creating Architecture Theory*. Translated by: Einifar, Alireza, Tehran: Tehran University Press & Publishing Institute. (in Persian)
- Mubarak, Mohammad, Salahi, Somayeh (2013). The quality of public services, citizenship obligations and a sense of social belonging. *Social Welfare Research*, 55, 275-315. (in Persian)
- Mohammadi, Jamal and Azadeh Seyed Reza. (2018). Comparative Comparison of New and Old Isfahan Neighborhoods for Adaptation to Iranian-Islamic Indicators Case Study: Jouybara and Negin Settlements. *Iranian Islamic Cities*, 34, 23-89. (in Persian)
- Moalemi, Mohsen. (2007). Urban identity, identity, the lost concepts of today. *Road and Building Monthly*, 48, 95-90. (in Persian)
- Movaqar, Hamid Reza, Ranjbar, Ehsan and Poor Jafar, Mohammad Reza. (2015). Recognizing the Concept of Neighborhoods in Iranian Desert Cities A Case Study of Nein City Neighborhoods. *Iranian Architectural Studies*, 8, 35-56. (in Persian)
- Mirdamai, Sidparham. (2012). Improving the quality of urban environments with an emphasis on spatial approach (Case study: Valenjak neighborhood of Tehran). Master's thesis in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Isfahan University of Arts. (in Persian)
- Naderi, Ahmad, Shirali, Ebrahim and Qasemi Kafroudi, Sajad. (2014). Investigating the sense of neighborhood belonging and its role in social participation (Case study: Nemat Abad neighborhood). *Iranian Social Development Studies*, 6 (3), 7-20. (in Persian)
- Natepour, Mohammad Javad. (2004). Development and social belonging with emphasis on the role of the Islamic Councils. *Development of Social Science Education*, 25, 28-32. (in Persian)
- Pandit, N., 1996. The Creation of Theory a Recent Application of the Grounded Theory Method. The qualitative Report, 2(4), pp. 1-20.



- Poursarajian, Mahmoud. (2015). Historic Neighborhood Values and Criteria for Change in Residents. *Garden Magazine Review*, 35, 39-52. . (in Persian)
- Rahnamaei, Mohammad Taghi, Farahudi, Rahmatullah, Ghalibaf Mohammad Bagher and Hadi Pour, Halima Khatun, (2007). Structural and Functional Development of Neighborhoods in Iranian Cities, *Geography*, 12 and 13 19-43. (in Persian)
- Rezazadeh, Razieh. (2006). The Psychological and Sociological Approach to Spatial Identity in New Cities. *New Cities Identity Papers*, New Cities Civil Engineering Publication, Tehran. (in Persian)
- Rubinstein, R. I., & Parmelee, P. A. (1992). Attachment to place and the representation of the life course by the elderly. In *Place attachment* (pp. 139-163). Springer, Boston, MA.
- Sadeghi, A., (2015), *Explanation the sense of belonging to the aesthetics of the environment in the public spaces of the Iranian city of Islam*. Ph.d. Thesis, Supervisor, Tarbiyat Modares University, Tehran.
- Sarrafi, Mozaffar (1992). Planning theory and development; Discussion paper, No 32, Vancouver, UBC school of regional planning.
- Shumaker, S. A., & Taylor, R. B. (1983). Toward a clarification of people-place relationships: A model of attachment to place. *Environmental psychology: Directions and perspectives*, 2, 19-25.
- Siavash Pour, Bahram, Shadloo Jahromi, Mojtaba and Molai Ramshe, Zohreh (2014). Dimensions constituting a sense of place, with an emphasis on physical, social, and emotional factors (perception and cognition). 6th National Conference on Urban Planning and Management, Mashhad. (in Persian)
- Stedman, R. C. (2002). Toward a social psychology of place: Predicting behavior from place-based cognitions, attitude, and identity. *Environment and behavior*, 34(5), 561-581.
- Tavassoli, Gholam Abbasi (2007). *Sociology*, Tehran: Payam Noor University Press. (in Persian)
- Varesi, Hamid Reza, Amel Bafandeh, Mehdi and Mohammadzadeh, Mohammad. (2010). Investigating and Analyzing the Components of Urban Identity and Its Relationship with the Residence of Residents of Serious Cities (Case Study: Golbahar City). *Urban Planning and Research*, 1 (2), 36- 17. (in Persian)
- Van der Graaf, P. (2009). *Out of Place?: Emotional Ties to the Neighbourhood in Urban Renewal in the Netherlands and the United Kingdom*. Amsterdam University Press.
- Winter, G. (2000). A comparative discussion of the notion of 'validity' in qualitative and quantitative research. *The qualitative report*, 4(3), 1-14.
- Zaltman, G., LeMasters, K., & Heffring, M. (1982). *Theory construction in marketing: Some thoughts on thinking*. John Wiley & Sons.
- Zamani, Bahador, Shams, Sara. (2013). The need for a neighborhood-based approach in revitalizing the historical context of cities. *Seven Cities*, 45-46, 73-93. (in Persian)
- Ziyari, Karamatollah, Hatami, Ahmad and Mesbahi, Sahar. (2017). Investigating the Effective Factors on Increasing Social Participation with Emphasis on Neighborhood Feelings (Case Study: Noorabad Delfan 1). *Urban Social Geography*, 4 (2), 69-86. (in Persian)